

آیه ۵۲

آیه و ترجمه

لا یحل لک النساء من بعد و لا ان تبدل بهن من اءزوج و لو اءعجبک حسنهن الا ما ملک یمینک و کان الله علی کل شیء رقیبا ۵۲
ترجمه :

۵۲ - بعد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست و نمی توانی همسرانت را به همسران دیگری تبدیل کنی (بعضی را طلاق دهی و همسر دیگری بجای او برگزینی) هر چند جمال آنها مورد توجه تو واقع شود، مگر آنچه که به صورت کنیز در ملک تو در آید و خداوند ناظر و مراقب هر چیز است (و به این ترتیب فشار قبائل را در اختیار همسر از آنها، از تو برداشتیم).

تفسیر:

یک حکم مهم دیگر در ارتباط با همسران پیامبر

در این آیه حکم دیگری از احکام مربوط به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان شده، می فرماید: «بعد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست، و حق نداری همسرانت را به همسران دیگری تبدیل کنی، هر چند جمال آنها مورد توجه تو واقع شود، مگر آنهایی که به صورت کنیز در اختیار تو قرار گیرند، و خداوند ناظر و مراقب بر هر چیز است» (لا یحل لک النساء من بعد و لا ان تبدل بهن من اءواج و لو اءعجبک حسنهن الا ما ملک یمینک و کان الله علی کل شیء رقیبا).

مفسران و فقهای اسلام در تفسیر این آیه بحثهای فراوانی دارند، و روایات مختلفی نیز در این زمینه در منابع اسلامی وارد شده است، ما قبلا آنچه را که از ظاهرات آیه در ارتباط با آیات گذشته و آینده - قطع نظر از گفته های مفسران -

به نظر می رسد ذکر می کنیم بعد به سراغ مطالب دیگر می رویم.
ظاهر تعبیر «من بعد» این است که بعد از این، ازدواج مجدد برای تو حرام

است، بنابراین «بعد یا به معنی» بعد زمانی است یعنی بعد از این زمان دیگر همسری انتخاب مکن، یا بعد از آنکه همسرانت را طبق فرمان الهی در آیات گذشته مخیر در میان زندگی ساده در خانه تو و یا جدا شدن کردی و آنها با میل و رغبت ترجیح دادند که به همسری با تو ادامه دهند، دیگر بعد از آنها نباید با زن دیگری ازدواج کنی. و نیز نمی‌توانی بعضی از آنها را طلاق داده، و همسر دیگری بجای او برگزینی، به تعبیر دیگر نه بر تعداد آنها بیفزای و نه افراد موجود را عوض کن.

نکته‌ها:

۱ - فلسفه این حکم

این محدودیت برای شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقصی محسوب نمی‌شود و حکمی است که فلسفه بسیار حساب شده‌ای دارد زیرا: طبق شواهدی که از تواریخ استفاده می‌شود پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از ناحیه افراد و قبائل مختلف تحت فشار بود که از آنها همسر بگیرد، و هر یک از قبائل مسلمان افتخار می‌کردند که زنی از آنها به همسری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در آید، حتی چنانکه گذشت بعضی از زنان بدون هیچگونه مهریه، حاضر بودند خود را به عنوان «هبه» در اختیار آن حضرت بگذارند و بی هیچ قید و شرط با او ازدواج کنند. البته پیوند زناشویی با این قبائل و اقوام تا حدی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهداف اجتماعی و سیاسی او مشکل‌گشا بود، ولی طبیعی است اگر از حد بگذرد، خود مشکل آفرین می‌شود، و هر قوم و قبیله‌ای چنین انتظاری را دارد، و اگر پیامبر

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۳۹۲

(صلی الله علیه و آله و سلم) بخواهد به انتظارات آنها پاسخ گوید و زنانی را هر چند به صورت عقد، و نه به صورت عروسی، در اختیار خود گیرد، دردسرهای فراوانی ایجاد می‌شود. لذا خداوند حکیم با یک قانون محکم جلو این کار را گرفت و او را از هر گونه ازدواج مجدد و یا تبدیل زنان موجود نهی کرد. در این وسط شاید افرادی بودند که برای رسیدن به مقصود خود به این بهانه متوسل می‌شدند که همسران تو غالباً بیوه هستند، و در میان آنها زنان

مسنی یافت می‌شوند که هیچ بهره‌ای از جمال ندارند، شایسته است که با زنی صاحب جمال ازدواج کنی، قرآن مخصوصاً روی این مساله نیز تکیه و تاکیدی کند که حتی اگر زنان صاحب جمالی نیز باشند حق ازدواج با آنها نخواهی داشت.

بعلاوه حق شناسی ایجاب می‌کرد که بعد از وفاداری همسرانش با او و ترجیح دادن زندگی ساده معنوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را بر هر چیز دیگر، خداوند برای حفظ مقام آنها چنین دستوری را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بدهد.

و اما در مورد کنیز که مجاز شده به خاطر آنست که مشکل و گرفتاری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از ناحیه زنان آزاد بود، لذا ضرورتی نداشت که این حکم در این مورد محدود شود هر چند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از این استثناء نیز طبق گواهی تاریخ استفاده نکرد. این چیزی است که از ظاهر آیه به نظر می‌رسد.

۲ - روایات مخالف

در روایات متعددی که بعضی از نظر سند ضعیف و بعضی قابل ملاحظه است جمله لا یحل لک النساء من بعد اشاره به زنانی گرفته شده که در آیه ۲۳ و ۲۴ سوره نساء تحریم آن بیان گردیده است (مادر و دختر و خواهر و عمه و خاله و...)

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۳۹۳

و در ذیل بعضی از این اخبار تصریح شده: «چگونه ممکن است زنانی بر دیگران حلال باشند و بر پیامبر حرام؟! هیچ زنی بر او جز آنچه بر همه حرام است حرام نبوده است».

البته بسیار بعید به نظر می‌رسد که این آیه ناظر به آیاتی باشد که در سوره نساء آمده است، ولی مشکل اینجاست که در بعضی از این روایات تصریح شده مراد از من بعد بعد از محرمات سوره نساء است.

بنابراین بهتر این است که از تفسیر این روایات که اخبار آحاد است صرف نظر کنیم و به اصطلاح علم آن را به اهلش یعنی معصومین (علیهم السلام) واگذاریم چرا که هماهنگ با ظاهر آیه نیست و ما موظف به ظاهر آیه هستیم و اخبار مزبور اخباری است ظنی.

مطلب دیگر اینک که گروه کثیری معتقدند که آیه مورد بحث هر گونه ازدواج مجددی را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تحریم کرده، ولی بعد این حکم منسوخ شده، و مجدداً اجازه ازدواج به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داده شده است هر چند پیامبر از آن استفاده نکرد، حتی آیه انا احللنا لك ازواجك اللاتي آتيت اجورهن... را که قبل از آیه مورد بحث نازل شده ناسخ آن می دانند و معتقدند گر چه در قرآن قبل از آن نوشته شده در نزول بعد از آن بوده است! و حتی «فاضل مقداد» در «کنز العرفان» نقل می کند که فتوای مشهور میان اصحاب همین است این عقیده در عین اینکه با روایات فوق تضاد روشنی دارد با ظاهر آیات نیز سازگار نیست، زیرا ظاهر آیات نشان می دهد که آیه «انا احللنا لك ازواجك» قبل از آیه مورد بحث نازل شده و مساله نسخ احتیاج به دلیل قطعی دارد.

به هر حال ما چیزی مطمئنتر و روشنتر از ظاهر خود آیه در اینجا نداریم

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۳۹۴

و بر طبق آن هر گونه ازدواج جدید و یا تبدیل همسران برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از نزول آیه فوق تحریم شده است و این حکم مصالح مهمی داشته که در بالا به آن اشاره کردیم.

۳- آیا قبل از ازدواج می توان به همسر آینده نگاه کرد؟

جمعی از مفسران جمله و لو اعجبک حسنهن را دلیل بر حکم معروفی گرفته اند که در روایات اسلامی نیز به آن اشاره شده، و آن اینکه: کسی که می خواهد با زنی ازدواج کند می تواند قبلاً به او نگاه کند، نگاهی که وضع قیافه و اندام او را برای وی مشخص کند.

فلسفه این حکم این است که انسان با بصیرت کامل همسر خود را انتخاب کند، و از ندامت و پشیمانیهای آینده که پیمان زناشویی را به خطر می افکند جلوگیری شود، چنانکه در حدیثی از پیامبر اسلام آمده است که به یکی از یاران خود که می خواست با زنی ازدواج کند فرمود: انظر الیهما فانه اجدران یدوم بینکما: «قبلاً به او نگاه کن که این سبب می شود مودت و الفت میان شما پایدار شود».

در حدیثی دیگر از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که: در پاسخ این سؤال که: «آیا مرد می تواند به هنگام تصمیم بر ازدواج با زنی او را به دقت بنگرد، و

به صورت و پشت سر او نگاه کند؟ فرمود: نعم لا باس ان ينظر الرجل الى المرأة اذا اراد ان يتزوجها، ينظر الى خلفها و الى وجهها: «آری مانعی ندارد هنگامی که مردی بخواهد با زنی ازدواج کند به او نگاه کند و به صورت و پشت سر او بنگرد».

البته احادیث در این زمینه فراوان است، ولی در بعضی از آنها تصریح شده

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۳۹۵

که نباید در این هنگام نگاه از روی شهوت، و به قصد لذت بردن باشد. این نیز روشن است که این حکم مخصوص مواردی است که انسان به راستی می خواهد در باره زنی تحقیق کند که اگر شرایط در او جمع بود با او ازدواج کند، اما کسی که هنوز تصمیم بر ازدواج نگرفته، تنها به احتمال ازدواج، یا به عنوان جستجوگری، نمی تواند به زنان نگاه کند. البته بعضی در آیه فوق این احتمال را داده اند که اشاره به نگاههایی باشد که بی اختیار و تصادفاً به زنی می افتد، در این صورت آیه دلالتی بر حکم مزبور ندارد و مدرک این حکم تنها روایات خواهد بود، ولی جمله «ولو اعجبک حسنهن»: هر چند زیبایی آنها اعجاب تو را برانگیزد با نگاههای تصادفی و زود گذر هماهنگ نیست، بنابراین دلالتش بر حکم فوق بعید به نظر نمی رسد.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۳۹۶

آیه ۵۳-۵۴

آیه و ترجمه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظَرٍ
إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مَسْتَنِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ
ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا
سَاءَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا
كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُجُجَهُ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ
عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ۝۵۳

ان تبدوا شياءو تخفوه فان الله كان بكل شى عليما

ترجمه :

۵۳- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در بیوت پیامبر داخل نشوید مگر به شما اجازه برای صرف غذا داده شود (مشروط بر اینکه قبل از موعد نیائید و) درانتظار وقت غذا ننشینید، اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشینید، این عمل پیامبر را ناراحت می‌کند ولی او از شما شرم می‌کند، اما خداوند از (بیان) حق شرم ندارد و هنگامی که چیزی از وسائل زندگی (به عنوان عاریت) از آنها (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید، این کار دل‌های شما و آنها را پاکتر می‌دارد، و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود در آورید که این کار نزد خدا عظیم است!

۵۴- اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهان دارید خداوند از همه چیز آگاه است.
شان نزول:

در شان نزول این آیه مفسران چنین آورده‌اند:

هنگامی که رسول خدا با «زینب بنت جحش» ازدواج کرد، ولیمه نسبتاً مفصلی به مردم داد (سابقاً گفتیم این احکام مفصل شاید بخاطر آن بوده است که شکستن سنت جاهلیت در زمینه تحریم «همسران مطلقه پسر خوانده» با قاطعیت هر چه بیشتر صورت گیرد، و بازتاب گسترده‌ای در محیط داشته باشد، و نیز این سنت جاهلی که ازدواج با «بیوه‌های بردگان آزاد شده» عیب و ننگ محسوب می‌شد از میان برود).
انس که خادم مخصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود می‌گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به من دستور داد که اصحابش را به غذا دعوت کنم، من همه را دعوت کردم، دسته دسته می‌آمدند و غذای خوردند و از اطاق خارج می‌شدند، تا اینکه عرض کردم ای

پیامبر خدا! کسی باقی نمانده که من او را دعوت نکرده باشم، فرمود: اکنون که چنین است سفره را جمع کنید، سفره را برداشتند و جمعیت پراکنده شدند، اما

سه نفر همچنان در اطاق پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ماندند و مشغول بحث و گفتگو بودند.

هنگامی که سخنان آنها به طول انجامید پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاست، و من نیز همراه او برخاستم شاید آنها متوجه شوند و پی کار خود بروند، پیامبر بیرون آمد تا به حجره عایشه رسید بار دیگر برگشت من هم در خدمتش آمدم باز دیدم همچنان نشسته اند آیه فوق نازل شد و دستورات لازم را در برخورد با این مسائل به آنها تفهیم کرد.

و نیز از بعضی قرائن استفاده می شود که گاهی همسایگان و سایر مردم طبق معمول برای عاریت گرفتن اشیائی نزد بعضی از زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می آمدند هر چند آنها طبق سادگی زندگی آن زمان کار خلافی مرتکب نمی شدند ولی برای حفظ حیثیت همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آیه فوق نازل شد و به مؤمنان دستور داد که هرگاه می خواهند چیزی از آنها بگیرند از پشت پرده بگیرند.

در روایت دیگری آمده است که بعضی از مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گفتند: چگونه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعضی از زنان بیوه را به ازدواج خود در آورده به خدا سوگند هرگاه او چشم از جهان ببوشد ما با همسران او ازدواج خواهیم کرد!!

آیه فوق نازل شد و ازدواج با زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را بعد از او به کلی ممنوع ساخت، و به این توطئه نیز پایان داد.

تفسیر:

باز روی سخن در این آیه به مؤمنان است و بخشی دیگر از احکام اسلام

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۳۹۹

مخصوصاً آنچه مربوط به آداب معاشرت با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و خانواده نبوت بوده است ضمن جمله های کوتاه و گویا و صریح بیان می کند.

نخست می گوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگز در اطاقهای پیامبر سر زده داخل نشوید، مگر اینکه برای صرف غذا به شما اجازه داده شود، آنها مشروط به اینکه به موقع وارد شوید، نه اینکه از مدتی قبل بیایید و درانتظار وقت غذا بنشینید» (یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا

ان یؤذن لکم الی طعام غیر ناظرین اناه)
و به این ترتیب یکی از آداب مهم معاشرت را در آن محیطی که این آداب کمتر رعایت می شد بیان می کند، گر چه سخن در باره خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، ولی مسلماً این حکم اختصاص به او ندارد، در هیچ مورد بدون اجازه نباید وارد خانه کسی شد (چنانکه در سوره نور آیه ۲۷ نیز آمده است) حتی در حالات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم که وقتی می خواست وارد خانه دخترش فاطمه (علیها السلام) شود بیرون در می ایستاد و اجازه می گرفت، و یکروز «جابر بن عبد الله» با او بود پس از آنکه برای خود اجازه گرفت برای «جابر» نیز اجازه گرفت!.

بعلاوه به هنگامی که دعوت به طعام می شوند باید وقت شناس باشند و مزاحمت بی موقع برای صاحبخانه فراهم نکنند.

سپس به دومین حکم پرداخته می گوید: «ولی هنگامی که دعوت شدید وارد شوید، و هنگامی که غذا خوردید پراکنده شوید» (و لکن اذا دعیتم فادخلوا فاذا طعمتم فانتشروا).

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۴۰۰

این حکم در حقیقت تاکید و تکمیلی بر حکم گذشته است، نه بی موقع به خانه ای که دعوت شده اید وارد شوید، و نه اجابت دعوت را نادیده بگیرید، و نه پس از صرف غذا برای مدتی طولانی درنگ کنید.

بدیهی است تخلف از این امور موجب زحمت و دردسر برای میزبان است و با اصول اخلاقی سازگار نیست.

در سومین حکم می فرماید: «پس از صرف غذا مجلس انس و گفتگو در خانه پیامبر (و هیچ میزبان دیگری) تشکیل ندهید» (و لا مستانسن لحدیث).

البته ممکن است میزبان خواهان چنین مجلس انسی باشد در این صورت مستثناست، سخن از جایی است که تنها دعوت به صرف غذا شده، نه تشکیل مجلس انس، در چنین جایی باید پس از صرف غذا مجلس را ترک گفت، به خصوص اینکه خانه ای همچون بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد که کانون انجام بزرگترین رسالتهای الهی است و باید امور مزاحم، وقت او را اشغال نکند.

سپس علت این حکم را چنین بیان می کند: «این کار پیامبر را آزار می داد، اما

او از شما شرم می‌کرد، ولی خداوند از بیان حق شرم نمی‌کند و اباندارد» (ان ذلکم کان یؤذی النبی فیستحیی منکم و الله لا یستحیی من الحق). البته پیامبر خدا نیز از بیان حق در مواردی که جنبه شخصی و خصوصی نداشت هیچ ابا نمی‌کرد ولی بیان حق اشخاص از ناحیه خودشان زیبانیست اما از ناحیه کسان دیگر جالب و زیباست، و مورد آیه نیز از این قبیل است، اصول اخلاقی ایجاب می‌کرد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دفاع از خود نپردازد، بلکه خداوند به دفاع از او پردازد.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۴۰۱

سپس چهارمین حکم را در زمینه «حجاب» چنین بیان می‌دارد: «هنگامی که چیزی از متاع و وسائل زندگی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بخواهید از پشت حجاب (پرده) بخواهید» (و اذا سالتموهن متاعا فاسئلوهن من وراء حجاب). گفتیم این امر در میان اعراب و بسیاری مردم دیگر معمول بوده و هست که به هنگام نیاز به بعضی از وسائل زندگی موقتاً از همسایه به عاریت می‌گیرند، خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز از این قانون مستثنان بوده، و گاه و بیگاه می‌آمدند و چیزی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عاریت می‌خواستند، روشن است قرار گرفتن همسران پیامبر در معرض دید مردم (هر چند با حجاب اسلامی باشد) کار خوبی نبود لذا دستور داده شده که از پشت پرده یا پشت در بگیرند. نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که منظور از حجاب در این آیه پوشش زنان نیست، بلکه حکمی اضافه بر آن است که مخصوص همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده و آن اینکه مردم موظف بودند به خاطر شرائط خاص همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هر گاه می‌خواهند چیزی از آنان بگیرند از پشت پرده باشد، و آنها حتی با پوشش اسلامی در برابر مردم در اینگونه موارد ظاهر نشوند، البته این حکم در باره زنان دیگر وارد نشده، و در آنها تنها رعایت پوشش کافی است. شاهد این سخن آنکه کلمه «حجاب» هر چند در استعمالهای روزمره به معنی پوشش زن به کار می‌رود، ولی در لغت چنین مفهومی را ندارد، و نه در تعبیقات فقهای ما.

«حجاب» در لغت به معنی چیزی است که در میان دو شیء حائل می شود به همین جهت پرده ای که در میان امعاء و قلب و ریه کشیده شده «حجاب حاجز» نامیده شده.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۴۰۲

در قرآن مجید نیز این کلمه همه جا به معنی پرده یا حائل به کار رفته است، مانند آیه ۴۵ سوره اسراء جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا: «ما در میان تو و کسانی که ایمان به آخرت نمی آورند پرده پوشیده ای قرار دادیم».

در آیه ۳۲ سوره ص نیز می خوانیم: حتی توارت بالحجاب: «تا موقعی که خورشید در پشت پرده افق پنهان شد».

و در آیه ۵۱ سوره شوری آمده است: و ما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیا او من وراء حجاب: «برای هیچ انسانی ممکن نیست که خداوند با او سخن بگوید مگر از طریق وحی یا از پشت پرده (غیب)».

در کلمات فقها از قدیمترین ایام تاکنون نیز در مورد پوشش زنان معمولاً کلمه «ستر» به کار رفته، و در روایات اسلامی نیز همین تعبیر یا شبیه آن وارد شده است، و به کار رفتن کلمه «حجاب» در پوشش زنان اصطلاحی است که بیشتر در عصر ما پیدا شده و اگر در تواریخ و روایات پیدا شود بسیار کم است.

گواه دیگر اینکه در حدیثی از «انس بن مالک» خادم مخصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم که می گوید: من از همه آگاهتر به این آیه حجابم، هنگامی که زینب با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ازدواج کرد و با او در خانه بود غذائی درست فرمود و مردم را دعوت به میهمانی نمود، اما جمعی پس از صرف غذا همچنان نشسته بودند و سخن می گفتند، در این هنگام آیه یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی - تا - من وراء حجاب نازل شد، در این هنگام پرده ای افکنده شد و جمعیت برخاستند.

در روایت دیگری می خوانیم که «انس» می گوید: ارخی الستر بینی وینه: «پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرده را میان من و خود افکند و جمعیت هنگامی که

چنین دیدند برخاستند و متفرق شدند)).
بنابر این اسلام به زنان مسلمان دستور پرده‌نشینی نداده، و تعبیر «پردگیان» در مورد زنان و تعبیراتی شبیه به این جنبه اسلامی ندارد، آنچه در باره زن مسلمان لازم است داشتن همان پوشش اسلامی است، ولی زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به خاطر وجود دشمنان فراوان و عیبجویان مغرض چون ممکن بود در معرض تهمتها قرار گیرند و دستاویزی به دست سیاه‌دلان بیفتد این دستور خاص به آنها داده شد و یابه تعبیر دیگر به مردم داده شده که به هنگام تقاضای چیزی از آنها با آنها از پشت پرده تقاضای خود را مطرح کنند.

مخصوصاً تعبیر به «وراء» (پشت) گواه این معنی است.
لذا قرآن بعد از این دستور فلسفه آن را چنین بیان می‌فرماید: «این برای پاکی دلهای شما و آنان بهتر است» (ذلک اطهر لقلوبکم و قلوبهن).
گرچه این نوع تعلیل با حکم استحبابی منافات ندارد ولی ظهور امر در جمله «فاسئلوهن» در وجوب متزلزل نمی‌شود چرا که این نوع تعلیل در موارد احکام واجب دیگر نیز احیاناً آمده است.

پنجمین حکم را به این صورت بیان می‌فرماید: «شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید» (و ما کان لکم ان تؤذوا رسول الله).
گرچه عمل ایذائی در خود این آیه منعکس است و آن بيموقع به خانه پیامبر رفتن و پس از صرف غذا نشستن و مزاحم شدن، و در روایات شان نزول نیز آمده که بعضی از کوردلان سوگند یاد کرده بودند که بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با همسران او ازدواج کنند، این سخن نیز ایذاء دیگری بود، ولی به هر حال مفهوم آیه عام است و هر گونه اذیت و آزار را شامل می‌شود.

سرانجام ششمین و آخرین حکم را در زمینه حرمت ازدواج با همسران پیامبر بعد از او چنین بیان می‌کند: «شما هرگز حق ندارید که همسران او را بعد از او به همسری خویش در آورید که این کار در نزد خدا عظیم است» (و لا ان تنکحوا ازواجه من بعده ابدان ذلکم کان عند الله عظیماً).

در اینجا سؤالی پیش می‌آید که چگونه خداوند همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را که بعضی به هنگام وفات او نسبتاً جوان بودند از حق انتخاب همسر محروم ساخته است؟

پاسخ این سؤال با توجه به فلسفه این تحریم روشن است. زیرا اولاً چنانکه از شان نزول آیه دانستیم، بعضی به عنوان انتقام‌جوئی و توهین به ساحت مقدس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین تصمیمی را گرفته بودند و از این راه می‌خواستند ضربه‌ای بر حیثیت آن حضرت وارد کنند. ثانیاً اگر این مساله مجاز بود جمعی به عنوان اینکه همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را بعد از او در اختیار خود گرفته‌اند ممکن بود این کار را وسیله سوء استفاده قرار دهند، و به این بهانه موقعیت اجتماعی برای خویش دست و پا کنند، و یا به عنوان اینکه آگاهی خاص از درون خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و تعلیمات و مکتب او دارند به تحریف اسلام پردازند، و یا منافقین مطالبی را از این طریق در میان مردم نشر دهند که مخالف مقام پیامبر باشد (دقت کنید).

این خطر هنگامی ملموس‌تر می‌شود که بدانیم گروهی خود را برای این کارآماده ساخته بودند بعضی آن را به زبان آورده و بعضی شاید تنها در دل داشتند.

از جمله کسانی را که بعضی از مفسران اهل سنت در اینجا نام برده‌اند طلحه است.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۴۰۵

خداوندی که بر اسرار نهان و آشکار آگاه است برای بر هم زدن این توطئه زشت یک حکم قاطع صادر فرمود و جلو این امور را به کلی گرفت، و برای تحکیم پایه‌های آن به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) لقب ام‌المؤمنین داد تا بدانند ازدواج با آنها همچون ازدواج با مادر خویش است! با توجه به آنچه گفته شد روشن می‌شود که چرا همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) لازم بود از این محرومیت استقبال کنند؟

در طول زندگی انسان گاه مسائل مهمی مطرح می‌شود که به خاطر آنها باید فداکاری و از خودگذشتگی نشان داد، و از بعضی از حقوق حقه خود چشم‌پوشید، به خصوص اینکه همیشه افتخارات بزرگ مسئولیتهای سنگینی

نیز همراه دارد، بدون شک همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) افتخار عظیمی از طریق ازدواجشان با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کسب کردند، داشتن چنین افتخاری نیاز به چنین فداکاری هم دارد. به همین دلیل زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از او در میان امت اسلامی بسیار محترم می‌زیستند، و از وضع خود بسیار راضی و خشنود بودند، و آن محرومیت را در برابر این افتخارات ناچیز می‌شمردند. دومین آیه مورد بحث به مردم شدیداً هشدار داده، می‌گوید: «اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهان دارید خداوند از همه امور آگاه است» (ان تبدوا شیئا او تخفوه فان الله کان بکل شیء علیما). گمان نکنید خدا از برنامه‌های ایدائی شما نسبت به پیامبرش با خبر نیست، چه آنها که بر زبان جاری کردند و چه آنها که در دل تصمیم داشتند همه را به خوبی می‌داند، و با هر کس متناسب کار و نیتش رفتار می‌کند.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۴۰۶

نکته‌ها:

به تناسب بحثی که در آیات فوق در مورد وظائف مسلمانان به هنگام دعوت به میهمانی پیامبر آمده بود. مناسب است گوشه‌ای از تعلیمات اسلام را در ارتباط با اصل مساله «میهمانداری و حق میهمان و وظائف میزبان» بیاوریم:

۱ - میهمان نوازی - اسلام اهمیت خاصی برای مساله میهمان نوازی قائل شده تا آنجا که در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم: الضیف دلیل الجنة: «میهمان راهنمای راه بهشت است»!.

اهمیت و احترام میهمان به اندازه‌ای است که در اسلام به عنوان یک هدیه آسمانی تلقی شده، رسول خدا می‌فرماید: اذا اراد الله بقوم خیرا اهدی الیهم هدیة، قالوا: و ما تلك الهدیة؟ قال: الضیف، ینزل برزقه، و یرتحل بذنوب اهل البیت: «هنگامی که خداوند اراده کند نسبت به جمعیتی نیکی نماید هدیه گرانبھائی برای آنها می‌فرستد، عرض کردند ای پیامبر خدا! چه هدیه‌ای؟ فرمود: میهمان، با روزی خویش وارد می‌شود، و گناهان خانواده را با خود می‌برد» (و بخشوده می‌شوند).

جالب اینک که کسی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد، برنامه من این است که وضو را به طور کامل انجام می‌دهم نماز را بر پا می‌دارم، زکات را به موقع می‌پردازم، و از میهمان با آغوش باز و به خاطر خدا پذیرائی می‌کنم.

فرمود: بخ! بخ! بخ! ما لجهنم علیک سبیل! ان الله قد براءک من الشح ان کنت کذلک: «آفرین، آفرین، آفرین بر تو باد! جهنم راهی به سوی تو ندارد، اگر چنین باشی خداوند تو را از هر گونه بخل پاک ساخته است!»
در این زمینه سخن بسیار است اما برای اختصار به همین مقدار قناعت

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۴۰۷

می‌کنیم.

۲ - رعایت سادگی در پذیرائی - با تمام اهمیتی که میهمان دارد پذیرائیهای پر تکلف و پر زرق و برق از نظر اسلام نه تنها کار خوبی نیست، بلکه رسماً از آن نهی شده است، اسلام توصیه می‌کند که پذیرائیها ساده باشد، و یک خط جالب عادلانه در میان میهمان و میزبان ترسیم کرده است و آن اینک: «میزبان از آنچه دارد مضایقه نکند، و میهمان نیز بیش از آن را انتظار نداشته باشد!»
امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: المؤمن لا یحتشم من اخیه، و ما ادری ایهما اعجب؟ الذی یکلف اخاه اذا دخل علیه ان یتکلف له؟ او المتکلف لایخیه؟ «افراد با ایمان از برادر مؤمن خود رودرواسی ندارند، و من نمی‌دانم کدامیک از این دو عجیتر است؟ کسی که به هنگام ورود بر برادر خود او را به تکلف می‌افکنند؟ و یا کسی که شخصاً به سراغ تکلف برای میهمان می‌رود؟».

«سلمان فارسی» از پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نقل می‌کند که فرمود: ان لا نتکلف للضیف ما لیس عندنا، و ان نقدم الیه ما حضرنا: «برای میهمان نسبت به آنچه نداریم تکلف نکنیم، و آنچه موجود است مضایقه ننمائیم».

۳ - حق میهمان - گفتیم میهمان از نظر اسلام یک هدیه آسمانی، و فرستاده و رسول خداست، و باید او را همچون جان گرامی داشت و نهایت احترام رادر باره او انجام داد، تا آنجا که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند که فرمود: من حق الضیف

ان تمشى معه فتخرجه من حریمك الى البر: «از

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۴۰۸

حقوق میهمان آنست که او را تا در خانه بدرقه کنی». و تا آنجا که به تکلف نیانجامد باید وسایل آسایش و راحتی او را فراهم کرد، تا آنجا که در حدیثی داریم یکی از حقوق میهمان این است که حتی خلال را برای او فراهم سازند «قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): ان من حق الضیف ان یعدله الخلال»!.

گاه می شود میهمانها افرادی کمرو و خجالتی هستند و به همین دلیل دستور داده شده است که از آنها در باره غذا خوردن سؤال نکنند، بلکه سفره غذا را آماده سازند، اگر مایل بود بخورد، چنانکه امام صادق (علیه السلام) می فرماید: لا تقل لاخیک اذا دخل علیک اکلت الیوم شیئا؟ و لکن قرب الیه ما عندک، فان الجواد کل الجواد من بذل ما عنده: «هنگامی که برادرت بر تو وارد شود از او سؤال نکن آیا امروز غذا خورده ای یا نه؟ آنچه داری برای او حاضر کن، چرا که سخاوتمند واقعی کسی است که از بذل آنچه حاضر دارد مضایقه نکند».

از جمله وظایف میزبان در پیشگاه خدا این است که غذائی را که آماده ساخته است تحقیر نکند چرا که نعمت خدا هر چه باشد عزیز و محترم است، ولی در میان مترفین و ارباب تکلف معمول است که هر قدر سفره رارنگین کنند می گویند: چیز ناقابلی بیش نیست و لایق مقام شما نمی باشد! همانگونه که میهمان نیز وظیفه دارد آنرا کوچک نشمرد.

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: هلك امرؤ احتقر لاخیه ما یحضره و هلك امرؤ احتقر من اخیه ما قدم الیه: «میزبانی که آنچه را برای برادرش آماده ساخته کوچک بشمرد هلاک (و گمراه) شده است، همچنین میهمانی که آنچه را که نزد او حاضر کرده اند کوچک بشمرد گمراه است»!.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۴۰۹

اسلام به قدری در گرامی داشتن میهمان مو شکاف است که می گوید به هنگامی که میهمان وارد می شود به او کمک کنید اما برای رفتن از منزل به او کمک نکنید مبادا تصور شود مایل به رفتن او هستید!.

۴ - وظایف میهمان - همیشه مسئولیتها جنبه متقابل دارد یعنی همانگونه که میزبان وظایف مهمی در برابر میهمان دارد در جهت مقابل نیز میهمان وظایف قابل ملاحظه دارد.

علاوه بر آنچه در احادیث بالا ذکر شد میهمان موظف است آنچه را صاحبخانه در مورد منزلش پیشنهاد می کند انجام دهد، فی المثل هر جا را برای نشستن پیشنهاد می کند بپذیرد.

امام صادق می فرماید: اذا دخل احدکم علی اخیه فی رحله فلیقعد حیث یامر صاحب الرحل، فان صاحب الرحل اعرف بعورة بیته من الداخل علیه: «هنگامی که یکی از شما وارد منزلگاه برادر مسلمانش می شود هر جا به او پیشنهاد می کند بنشیند، چرا که صاحب منزل به وضع منزل خود و آن قسمتهائی که نباید آشکار گردد آشناتر است».

کوتاه سخن اینکه مساله میهمان نوازی و آداب میهمان داری و وظایف و خصوصیات هر کدام بحث گسترده ای را در آداب معاشرت اسلامی به خود اختصاص داده، کسانی که توضیح بیشتری در این زمینه می خواهند به بحار الانوار بابهای ۸۸ تا ۹۴ از ابواب کتاب العشره از جلد ۱۷، و کتاب محجة البیضاء جلد ۳ باب چهارم «فضیلة الضیافة» مراجعه کنند. اما با نهایت تاسف در عصر ما که عصر غلبه مادیگری بر جهان است این

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۴۱۰

سنت قدیمی انسانی چنان محدود شده که در بعضی از جوامع غربی تقریباً برچیده شده است، و شنیده ایم هنگامی که بعضی از آنها به کشورهای اسلامی می آیند و گستردگی میهمان داری و میهمان نوازی را که هنوز در خانواده های اصیل این مرز و بوم به صورت گرم و مملو از عواطف برقرار است می بینند، شگفت زده می شوند که چگونه ممکن است افرادی بهترین وسائل موجود خانه و باارزشتین غذاهای خود را برای پذیرائی مهمانهای که گاهی با آنها ارتباط کمی دارند، و شاید تنها در یک سفر کوتاه آشنا شده اند بگذارند؟!.

ولی توجه به احادیث اسلامی که گوشه ای از آن در بالا آمد دلیل این ایثار و فداکاری را روشن می سازد و محاسبات معنوی را در این رابطه مشخص می کند، محاسباتی که برای ماده پرستان فرهنگ نامفهومی است.

قبل

فہرست

قال